



۱۶/۰۹/۲۰۲۳



کاتید اکادمیسین سیستانی

## بولان بست پرورشگاه عیاران وجوانمردان سیستان

### «قوزان بست» دراصل «بولان بست» است

ابوعبدالله محمدبن احمد مقدسی شامی جغرافیه نگار معروف عربی در سال ۳۷۵ هجری، شرح قابل توجهی در باره بست و محلات آن نواحی بدست داده نوشته میکند:

بُست، با قلعه بزرگ و حومه پهناوری دریک فرسخی بالای ملتقای رودخانه خردروی (ارغنداب) و هیرمند قرار دارد. بازارهایش معموراند و دارای مسجدی نیکو است. اهل آن متدین و با مروت و صاحب نعمت اند که به آئین و درایت و خوی نرم خویش مشهوراند. این شهرچه پاکیزه و سرسبز با موقعیت مهم اش، خرما و انگور فراوان و گل ریحان بسیار دارد. از ابومنصور دانشمند سیستانی شنیدم که گفتی: در دنیا شهری باین کوچکی ولی سرسبز و دارای میوه ها و نعم فراوان ندیده ام، اما وبا دارد. و شهر آن خیلی آباد است و مسجد جامع و ربض (حصار بیرونی) نیز دارد که بازار در آن اند. مردم آن از اب هیرمند نوشند و رودخانه دیگری هم دارد که خردروی (ارغنداب) گویند. این دو رودخانه بفاصله یک فرسخ از بست باهم می آمیزند و در جای آمیزش آنها پلی از کشتیها است. (احسن التقسیم، طبع دوم لیدن ۱۹۰۶، ص ۳۰۴)

در ۷-۸ کیلومتر شمال بست، در دست راست هیرمند، مقابل لشکرگاه دهکده شاداب و سرسبز "بولان" قرار داشت که متأسفانه در هیچیک از کتب مسالک زکری از آن نیامده است. در قرون نخستین اسلامی یعنی در همان دوره های عروج بست و لشکرگاه، در روزگاری که هنوز از لشکرگاه کسی نام نمی برد، دهکده بولان بحیث گهواره راد مردان بست در نزدیک ترین نقطه مقابل لشکرگاه، در آنطرف هیرمند از خود نام و نشانی داشت. و عیاران پیشتاز آن چون «عشان بن نصر» و برادرش «صالح بن نصر» بارها عمال ستمگر عرب را از شهر و مرز خود بیرون رانده اند و مردم دانش دوست و با مروت بست را از چنگ آنان نجات بخشیده اند. (تاریخ سیستان، ص ۱۹۰-۱۹۲)

متون ادبیات ما مملو از صدها قصیده در وصف بخشش های فراوان سلاطین غزنوی مخصوصاً محمود و مسعود است ولی آنچنان که بیهقی می آورد، علوهمت دانشمندان بولانی بست به مراتب بالاتر از این بخشش ها است و بسیار بجاست که مراتب همت یکنفر قاضی بستی را با پسرش از زبان ابوالفضل بیهقی در اینجا نقل کنیم:

باری سلطان مسعود به هوای تفریح در رودخانه هیرمند بر یکی از کشتی های که در پای قصر سلطنتی لشکرگاه برای کشتی رانی آماده بودند، نشست و شروع به سیرکردن نمود، ناگاه کشتی

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

سلطان نزدیک بود غرق شود. هنگام نجات سلطان از هیرمند پایش زخم برداشت و سلطان بشکرانه نجات خود خواست مقداری طلا نذر کند.

بگفته بیهقی: «و آغاجی خادم را گفت کیسه ها بیاور و مرا گفت: بستان در هر کیسه هزار مثقال زر پاره کرده است بونصر را بگویی که زرهاست که پدر مارضی الله عنه از غزو هندوستان آورده است ... و می شنوم که قاضی بست بوالحسن بولانی و پسرش بوبکر سخت تنگدستند و از کس چیزی نستانند و اندک مایه ضیعتی دارند یک کیسه بپدر باید داد و یک کیسه به پسر تا خویشان راضیعتی حلال خرند و فراخ تر بتوانند زیست و ما حق این نعمت تندرستی که باز یافتیم لختی گذارده باشیم.» (تاریخ بیهقی، چاپ دکتر غنی و دکتر فیاض، ص ۵۰۷، ۵۱۲)

بیهقی میگوید، «من کیسه ها بستم و بنزدیک بونصر آوردم و حال بازگفتم دعا کرد و گفت خداوند این سخن نیکو کرد و شنوده ام که بوالحسن و پسرش وقت باشد که بده درم درمانده اند، و بخانه بازگشت و کیسه ها باوی بردند و پس از نماز کس فرستاد و قاضی بوالحسن و پسرش را بخواند و بیامدند بونصر پیغام سلطان بقاضی رسانید. بسیار دعا کرد و گفت: این صلت فخر است، پذیرفتم و باز دادم که مرا بکار نیست و قیامت سخت نزدیکست حساب این نتوانم داد ... بونصر گفت: ای سبحان الله زری که سلطان محمود بغزو از بتخانه ها بشمشیر بیاورده باشد و بتان شکسته و پاره کرده و آنرا امیر المؤمنین می روا دارد سندن آن، قاضی همی نستاند؟ گفت: زندگانی خداوند دراز باد... و بر من پوشیده است که آن غزوها بر طریق سنت مصطفی هست علیه السلام یا نه؟ به هیچ حال من این نپذیرم و در عهده این نشوم. گفت، اگر نپذیری بشاگردان خویش و مستحقان و درویشان ده، گفت: من هیچ مستحق را نشناسم در بست که زربدیشان توان داد و مراچه افتاده است که زر کسی دیگر دهد و کسی دیگر برد و شمار آن مرا بقیامت باید داد، به هیچ حال این عهده قبول نکنم .

بونصر پسرش را گفت تو از آن خویش بستان، گفت: زندگانی خواجه عمید دراز باد علی ای حال من نیز فرزند این پدرم که آن سخن گفت و علم از وی آموخته ام و اگر وی را یک روز دیده بودمی و احوال و عادات وی بدانسته واجب کردی که در مدت عمر پیروی او کردم، پس چه جای آنکه سالها دیده ام من از آن حساب و توقف و پرسش قیامت بترسم که وی می ترسد و آنچه زیاده حاجت مند نیستم. بونصر گفت لله درکما بزرگا که شما دو تن اید و بگریست و ایشان را باز گردانید و باقی روز اندیشمند بود و از این یاد می کرد و دیگر روز رقعتی بنبشت بامیر و حال باز نمود و زر باز فرستاد. امیر بتعجب بماند و چند وقت شنودم که امیر بونصر را گفتی چشم بد دور از بولانیان.» (تاریخ بیهقی، ص ۵۱۲ - ۵۱۱)

امروز از این دهکده در دو کیلومتری غرب شهر لشکرگاه، در آغاز راهی که بسوی چاه انجیر می پیچد، خرابه های یک قلعه مخروبه بصورت خاک توده به مشاهد میرسد. اما کسی نمیداند که روزگاری اینجا جایگاه مردان با دانش و فضلی و باهمتی بوده است که تاریخ بنام و نشان شان می بالد.

## قوزان بست در کجاست؟

یکی از هموطنان در سایت دعوت میدا ۲۴ نوشته است که «قوزان» در تربیت حیدریه خراسان واقع است. در حالی که قوزان خراسان غیر از قوزان بست است.

در تاریخ سیستان آمده است که «عبدالرحمن بن سمره در سال ۳۶ هجری به سیستان آمد و مردمان بفرمان پیش رفتند. یک چند اینجا بیود باز بخواش شد و بیابان بگذاشت و بست و رُخَد (قندهار) بگشاد و زینجا بکابل شد و کابل بگشاد و بردگان بسیار از آنجا بیورد.» (تاریخ سیستان، چاپ بهار ص ۸۵)

مرحوم پوهاند حبیبی، از قول بلاذری مینویسد که او در فتوح البلدان خود، از فتح بست بدست عبدالرحمن ابن سمره یاد کرده نوشته است که عبدالرحمن بن سمره افسر عربی از زرنج بعزم فتح بست و رُخ [قندهار] بیرون شد و بعد از قطع وادی خواش و قوزان بست، بست را بزور گرفت و پس از آن مردم روزان را مغلوب ساخت و به خشک [کشک خود] آمد و هم در رُخ جنگ کرد، و بر مردم چیره شد. (بلاذری، فتوح البلدان، متن عربی ص ۴۸۸)

مرحوم حبیبی می افزاید که، این وقایع بعد از سال ۳۶ هجری (۶۵۶م) رخ داده است. از جمله سرزمین های مذکور در کتاب فتوح، خواش، همین خاش و خاشرود است و خشک هم کشک خود و رُخ وادی ارغنداب است. اما کلمه "قوزان" را تاکنون نفهمیده ام که چیست؟ اگر کسی در این باره رأی داشته باشد، لطفاً به انجمن تاریخ بنویسد.» (پوهاند حبیبی، مجله آریانا، سال ۱۳۵۱ش، مقاله بست و لشکرگاه)

### نظر من درباره قوزان بست:

من که در باره سیستان و شهرهای آن مطالعاتی دارم و با نقاط تاریخی بست آشنائی دارم، در روبروی قصر سلطان مسعود غزنوی مخروبه دهکده بولان، پرورشگاه عباران و جوانمردان سیستان در قرون نخستین اسلامی را از نزدیک دیده ام، میتوانم از عان نمایم که «قوزان» متذکره بلاذری، همین "بولان" نزدیک ترین روستای واقع در ۸ کیلومتری شمال غرب بست بوده است، زیرا در قرون وسطی راهی که زرنج را به بست وصل میکرد، از ولایت خواش میگذشت و بعد از عبور از پل خاشرود و قطع بیابان (دشت مارگو) به بست میرسید، اما قبل از رسیدن به بست، باید دهکده بولان را که خیلی معمور و پر جمعیت بود، در دست راست رودخانه هیرمند پشت سر میگذاشت تا به پلی می رسید که روی یک تعداد زورقها در برابر قلعه بست ساخته شده بود. نگهداری این پل بردوش مردمان دهکده بولان بود.

د پانو شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته راښکلی. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

لشکرعربی بسرکردگی ابن سمره از زرنج به عزم بست حرکت کرده بود راه از دروازه نیشک شهر زرنج آغاز و به سمت شرق به استقامت خاش وقرنین (زادگاه یعقوب لیث ) درایالت نیشک میرفت. سرسبزی منطقه نیشک وابسته به رود خانه خواش (خاشرود) بود. قرنین دهکده ای بود در منطقه نیشک سیستان. به قول اصطخری"خاش از قرنین یک منزل دور تر بود واز زرنج از سمت چپ جاده بُست یک فرسخ فاصله داشت.( اصطخری،مسالک و ممالک متن فارسی ۱۹۹، تیت، سیستان، ص ۶۱)

از خاش راهی بسوی حریری(هللی امروزی) میرفت. از هللی راه به دهک واز دهک به خط مستقیم از دشت لوط ( دشت مارگو ) گذشته، پس از طی پنج شش منزل به شهر بست می رسد.( احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم مقدسی، طبع لیدن، ص ۳۵۰ )

خواش (خاش) مرکز ایالت نیشک سیستان بود وامروز درولایت نیمروز جای معروفی است.خاش ایران در ایالت مکران(بلوچستان) ایران درحدود ۴۰۰ کیلومتر دورتر از زرنج واقع است. بنابراین منظور بلاذری از خاش همین خاش سیستان در ۴۰- ۵۰ کیلومتری شرق زرنج است وقوزان بست همین «بولان» واقع ۷-۸ کیلومتری شمال قلعه بست است.نه قوزان تربیت حیدریه خراسان واقع در ۷۰۰ تا ۸۰۰ کیلومتری شمال زرنج.

از لحاظ شکل واملا در رسم الخط عربی و فارسی کلمه"بولان" با کلمه "قوزان" بلاذری شباهت وهمرنگی دارد،خاصه اینکه با نام بست یکجا ذکر شده است.بنابراین قوزان بست همین بولان بست است که کاتبان وناسخان عربی آن را اشتباه خوانده وثبت کرده اند.کسانی که با جغرافیای محلی سیستان آشنایی ندارند لطفاً آسمان را با ریسمان اندازه نکنند وخواننده را پشت نخود سیاه نفرستند.

پایان ۱۵/۹/۲۰۲۳

---

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ